

خانه پدری «ریحانه پزشکی راد» مکانی برای خدمت به دختران و خانواده‌ها

باید به دخترانمان زیبایی‌های دین را نشان دهیم

دختران گل‌های باغچه‌ای هستند که او در خانه پدری‌اش ساخته است. برای این دختران هزینه زمانی و مالی کرده و پای آن‌ها نشست تا در همه زمینه‌ها رشد کنند. ریحانه پزشکی راد با ایجاد مؤسسه‌ای فرهنگی سعی کرده تا شمیم محبت و مهربانی راد در فضای خانواده پخش کند. «شمیم خانواده» نامی است که برای این مؤسسه انتخاب کرده و کار فرهنگی را سرلوحه امور مجموعه قرار داده است. دغدغه مندی ریحانه پزشکی راد در حوزه کار فرهنگی جامعه سبب شده تا او در این مسیر همه اعضای خانواده‌اش را همراه خود کند. همراهی که مؤثر واقع شده و نتایجی به همراه داشته که در گفت‌وگو با این بانوی فعال شهرمان مرور می‌کنیم.

دیدار سرنوشته ساز در باغ پدر بزرگ

پدر بزرگ ریحانه مرحوم حبیب... پزشکی راد آدم بسیار زحمتکش و پرتلاشی بوده است. زاده روستای میان علیا از توابع طرقله بوده و کارش را با شاگردی در یک نانوايي شروع می‌کند و در ادامه با سعی و تلاش کشاورز نمونه و کارآفرین موفقی می‌شود که املاک زیادی را هم وقف کرده است. مقید بوده تا همیشه مؤمنان راد را باغی که با دستان خودش بنا کرده است، دعوت کند. در یکی از این دعوت‌ها اهالی حوزه مهمانش می‌شوند. در این روز خانم فاطمه طاهایی هم با شاگردانشان به آنجایی روند. بقیه ماجرا را از زبان ریحانه خانم می‌شنویم: «ایشان در جمع طلبه‌ها بودند که نگاهشان به من جلب شد. مرا صدا زدند و اسمم را پرسیدند. گفتند ریحانه جان کنار من بنشین. با صمیمیت و مهربانی خاصی مرا تا آخر برنامه نزدیک خود داشتند. در آخر هم من را به صورت خصوصی برای مراسم شب عاشورا به منزل خود دعوت کردند. تمام این صحبت‌ها و دعوت خصوصی... در آن لحظه اثراتی نداشت. اما چند سال بعد مسیر زندگی من را تغییر داد و مرا به سمت ورود به حوزه سوق داد. در ادامه هم همواره اصولی که ایشان برای تربیت دختران به کار می‌گرفتند سرلوحه کارم قرار می‌دادم.»

ریحانه و یک خانواده همدل

صحت ما از همین ابتدا گل انداخته، از نام زیبایش که پدرش ۵۳ سال پیش برای او انتخاب کرده است، می‌گوید: «بسیار به نامی که پدرم برایم انتخاب کرده علاقه مند هستم. به حدی اسم ریحانه را دوست دارم که اگر پدرم اسم مرا ریحانه نمی‌گذاشت، این اسم را روی دخترم می‌گذاشتم.» او در سال ۶۸ ازدواج کرده و صاحب یک دختر و یک پسر سه‌نوه است. خودش و راهی که شکل گرفته را مدیون همراهی همسر، پدر و مادرش می‌داند و با حسی توأم با سپاسگزاری و افتخار از کمک‌هایی که آن‌ها او را در این مسیر کرده اند یاد می‌کند: «کمک‌های مالی‌ای که پدر، مادر و همسر در این سال‌ها به مجموعه داشتند تنها بخشی از حمایت‌های آن‌هاست. این سه نفر در این سال‌ها همیشه یار و یاور و پشتیبان پر از عشقی برای من در این مسیر بوده‌اند.»

